

گذری و نظری بر دو کتاب دانش نامه امام حسین^(ع) و شهادت نامه امام حسین^(ع) مهدی آشتیانی^۱

چکیده

دانش نامه‌ی امام حسین^(ع) کتاب و به عبارتی موسوعه‌ای است، حاصل تلاش بیش از ده ساله جمعی از پژوهشگران که سعی شده از برترین منابع و با دقت جمع آوری و تنظیم شود و از پانزده بخش و ۱۳۸ فصل، تشکیل شده است. کتاب شهادت نامه‌ی امام حسین^(ع) در واقع گزیده‌ای است هزار صفحه‌ای، از دانش نامه‌ی امام حسین^(ع) که تنها به بخش‌های مربوط به قیام و شهادت امام^(ع) و یاران باوفای ایشان پرداخته و طبیعتاً با حذف موارد بسیار کمتری (در مقایسه با کتاب پیشین)، توانسته است مباحث مربوط را خلاصه‌سازی نماید. در این نوشتار به معرفی، بررسی و نقد کوتاهی از دو کتاب دانش نامه‌ی امام حسین^(ع) و شهادت نامه‌ی امام حسین^(ع) پرداخته شده است. این دو کتاب بعنوان دو مرجع اصلی درباره‌ی زندگی امام حسین^(ع) و ماجرای کربلا هستند که از سوی انتشارات دارالحدیث منتشر شده است.

کلید واژه‌ها: امام حسین^(ع)، دانش نامه امام حسین^(ع)، شهادت نامه امام حسین^(ع)، نقد.

مقدمه

دومین نواده‌ی گرامی رسول خدا^(ص) و ثمره‌ی پیوند فرخنده‌ی امام علی^(ع) و حضرت فاطمه^(س) امام حسین بن علی^(ع) بزرگ آموزگار رشادت، استقامت، جهاد و شهادت است. آن حضرت، اسوه و الگویی همیشه‌ی تاریخ بشر برای شجاعت، آزادگی و ایستادگی در برابر ظلم و ستم است. فرهنگ بلند شیعه چنان با نام حسین^(ع)، عاشورا و کربلا درهم آمیخته و پیوسته است که نام و یاد هریک، دیگری را تداعی می‌کند و امام حسین^(ع) در میان شیعیان و عموم مسلمانان و حتی دیگر جوامع بشری، با حادثه‌ی عاشورا شناخته می‌شود که درخشان‌ترین فصل حیات بلند درخت شهادت و شهادت است. در این فصل که فقط یک نیم روز به طول انجامید، حسین بن علی^(ع)، نسخه‌ای از انسان کامل و قرآن ناطق را برای تاریخ به نمایش گذاشت. آن حضرت با حیات و شهادت خود، رسم مردانگی، آزادگی و حق طلبی را تا ابد استوار ساخت و آیین مبارزه با دروغ، تزویر و بدعت را به سان دانشگاهی باشکوه و مقاوم، بنیان نهاد.

در طول تاریخ هزاران جلد کتاب، رساله، دیوان و مقتل، درباره‌ی حسین^(ع) و کربلائی او نوشته شده است و هنوز این شور و شعرو شعور ادامه دارد. دانش‌نامه‌ی امام حسین^(ع) کتاب و به عبارتی موسوعه‌ای است، حاصل تلاش بیش از ده ساله جمعی از پژوهشگران که سعی شده از برترین منابع و با دقت جمع‌آوری و تنظیم شود. در این نوشتار کوتاه، ابتدا سعی در معرفی اجمالی این کتاب داریم و در پایان نکاتی را به عنوان نقد ارائه خواهیم کرد.

الف. دانش‌نامه‌ی امام حسین^(ع)

محمد محمدی ری شهری، با همکاری، سید محمود طباطبایی، سید روح‌الله طباطبایی، ترجمه: عبدالهادی مسعودی، محمد مرادی، مهدی مهریزی، دارالحدیث، ۱۳۸۸.

یکم. اهمیت موضوع کتاب

می‌توان تاریخ زندگی نورانی و افتخارآمیز حضرت اباعبدالله الحسین^(ع) را به پنج دوره تقسیم کرد:

- دوره‌ی اول، مقارن با حیات پیامبر^(ص) (۴-۱۱ق)؛
- دوره‌ی دوم، از رحلت پیامبر^(ص) تا پایان خلافت عثمان (۱۱-۳۵ق)؛
- دوره‌ی سوم، مقارن با خلافت امام علی^(ع) (۳۵-۴۰ق)؛
- دوره‌ی چهارم، از شهادت امام علی^(ع) تا هنگام مرگ معاویه و به قدرت رسیدن یزید (۴۰-۶۰ق)؛
- دوره‌ی پنجم، دوران قیام برضد حکومت یزید (۶۰-۶۱ق).



دوره ی پنجم، زندگی امام (ع) هر چند از نظر زمانی، نسبت به دیگر دوره ها، کوتاه تر است؛ اما مهم ترین، حسّاس ترین و افتخار آمیزترین فصل تاریخ زندگانی امام حسین (ع) است.

نهضت حسینی، اواخر ماه رجب سال ۶۰ هجری، با حرکت امام حسین (ع) از مدینه به طرف مکه، آغاز شد و با بازگشت اهل بیت (ع) ایشان به مدینه، پایان گرفت. این دوره ی کوتاه - که کمتر از یک سال به طول انجامید -، از نظر کمّیت، بسیار کوتاه و زودگذر بود؛ اما از نظر کیفیت و آثاری که بر آن مترتب شد، بسیار مهم، جاوید و فراموش ناشدنی است. آنچه در این دوره ی کوتاه اتفاق افتاد، نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ بشر، بی نظیر است. امام حسین (ع)، با بهره گیری از این فرصت استثنایی، نسخه ی کاملی از قرآن ناطق و انسان کامل را در برابر چشم جهانیان، به نمایش گذاشت و حماسه ای بی نظیر، پدید آورد.

در این حماسه، انواع خصلت های والای انسانی، همچون صبر و استقامت، ایثار و از خود گذشتگی، کرامت و عزّت نفس، آزادی خواهی، صداقت و حفظ آرامش روانی در سخت ترین شرایط زندگی (در برابر انواع پستی ها، جنایت ها، قساوت ها و بی رحمی ها)، به گونه ای جلوه یافته که فرشتگان الهی، شگفت زده شده اند. این نمایش، به قدری صریح، روشن، آشکار و عمومی بود که حتّی دشمنان امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نیز نتوانستند آن را تحریف کنند و چهره ی درخشان اباعبدالله الحسین (ع) و قیام الهی او را به گونه ای دیگر، جلوه دهند.

دوم. کربلا در آثار مکتوب

ظرفیت گسترده ی فرهنگی واقعه ی عاشورا و جایگاه ویژه ی آن در جهان اسلام، بویژه نزد پیروان اهل بیت (ع)، ایجاب می کرده است که موضوع نهضت حسینی، به عنوان یکی از اصلی ترین مسائل مطرح در مکتب تشیّع، در حوزه های علمیه، توسط توانمندترین دانشمندان و کارشناسان، مورد تحقیق و تدقیق قرار گیرد و نخبگان آشنا با قرآن، حدیث و تاریخ اهل بیت (ع)، ضمن جمع آوری، جمع بندی و ارزیابی گزارش های تاریخی، ابعاد متنوع و آموزنده ی این حماسه ی سرشار از هدایت، عزّت و سعادت را تبیین و تفسیر نمایند. شاید شمار کتاب هایی که خصوصاً در عصر حاضر در باره ی امام حسین (ع) تألیف شده اند، به صدها و بلکه هزاران جلد برسد؛ اما کتاب های مستند و قابل اعتماد در جهت تبیین صحیح تاریخ نهضت حسینی و اهداف و آرمان های آن، بسیار کم یاب است.

سوم. معرفی فصول و بخش های کتاب

دانش نامه ی امام حسین (ع)، گامی است که پس از سال ها تحقیق و تلاش، با همکاری شماری از پژوهشگران «پژوهشکده علوم و معارف حدیث»، آماده شده است. این دانش نامه،

از پانزده بخش و ۱۳۸ فصل، تشکیل شده است. گزارش اجمالی بخش‌ها و فصل‌های دانش نامه، از این قرار است:

بخش یکم: زندگی خانوادگی سیدالشهدا^(ع)

در بخش نخست این دانش‌نامه، چگونگی تولد، نام‌گذاری، ویژگی‌های ظاهری، چگونگی پرورش، ازدواج و شمار فرزندان امام حسین^(ع)، در شش فصل، مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم: فضیلت‌ها و ویژگی‌های امام حسین^(ع)

در این بخش، ابتدا به ملاک انتخاب گزارش‌های مربوط به فضایل امام حسین^(ع) و مهم‌ترین کمالات مشترک میان امامان^(ع) و بارزترین و ویژگی‌های سیدالشهدا^(ع) اشاره شده است. سپس به تفصیل، فضایل مشترک میان ایشان و سایر اهل بیت^(ع)، فضایل مشترک میان ایشان و برادرش امام حسن^(ع)، فضایل ویژه‌ی امام حسین^(ع)، مکارم اخلاقی ایشان، و ویژگی‌های ایشان در عبادت و شماری از کرامات ایشان، در شش فصل، ارائه شده است.

بخش سوم: دلایل امامت امام حسین^(ع) و فرزندان

در این بخش، ابتدا نکاتی درباره‌ی این‌که امامت از مناصب الهی و در ادامه‌ی منصب نبوت است، ارائه شده و سپس، رهنمودهای خداوند متعال، روایاتی از پیامبر خدا^(ص)، روایاتی از سایر امامان^(ع) درباره‌ی امامت امام حسین^(ع) و استمرار امامت در نسل ایشان و نیز روایاتی در مورد وصیت‌های ایشان، در چهار فصل، گزارش گردیده است. گفتنی است که احادیث این بخش، به دلیل آنکه اعتقادی شمرده می‌شوند، از نظر سند، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و احادیثی که از اعتبار لازم برخوردار نبوده‌اند، به عنوان مؤید، در کنار احادیث معتبر آمده‌اند.

بخش چهارم: امام حسین^(ع) پس از پیامبر^(ص) تا شهادت پدر

در آغاز این بخش، تحلیلی از زندگی امام حسین^(ع) در این دوران، یعنی از هفت تا ۳۶ سالگی ایشان، ارائه شده است. سپس به نکات قابل توجهی از زندگی ایشان در این مقطع از تاریخ اسلام، در ضمن چهار فصل، اشاره گردیده است.

بخش پنجم: امام حسین^(ع) پس از شهادت پدر تا قیام عاشورا

در تبیین این مقطع از تاریخ زندگی امام حسین^(ع) (۴۰ - ۶۱ ق) که بخشی از آن، مقارن با امامت برادرشان امام حسن^(ع) بود، سه موضوع مهم، یعنی رفتارشناسی امام^(ع) در دوران امامت برادر، موضع‌گیری‌های ایشان در برابر حکومت معاویه و نیز ولایتعهدی یزید، در سه فصل، گزارش گردیده است.



بخش ششم: خبر دادن پیشاپیش، از شهادت امام حسین (ع)

در آغاز این بخش، پس از اشاره به قطعیت صدور روایات پیشگویی شهادت امام حسین (ع)، توضیح داده شده که مقدر بودن شهادت ایشان و پیشگویی آن، منافاتی با اراده و اختیار انسان ندارد. سپس پیشگویی‌هایی، در چهار فصل، گزارش شده‌اند.

بخش هفتم: خروج امام حسین (ع) از مدینه تا رسیدن به کربلا

در آغاز این بخش، تحلیل نسبتاً جامعی در باره‌ی زمینه‌ها و علل قیام امام حسین (ع) آمده است و پس از آن، مسائل مهمی مانند امتناع امام (ع) از بیعت با یزید، خروج امام (ع) از مدینه، فعالیت‌های ایشان در مکه، اعزام مسلم (ع) به عنوان نماینده‌ی خود به کوفه، و شهادت مسلم و جمعی دیگر از یاران امام (ع) و نیز زندانی شدن شماری دیگر از آنان، پیشنهادهای مختلف به امام (ع) مبنی بر نرفتن به کوفه، و حرکت امام (ع) به سوی کربلا، در هفت فصل، گزارش گردیده است.

بخش هشتم: از رسیدن امام حسین (ع) به کربلا تا شهادت ایشان

در این بخش، متون مربوط به حادثه جان‌گداز عاشورا از آغاز ورود امام حسین (ع) به کربلا تا شهادت یاران، فرزندان، برادران، فرزندان برادر، فرزندان خواهر، فرزندان عمو و سرانجام، شهادت خود ایشان، در نه فصل، به تفصیل، گزارش شده است.

بخش نهم: وقایع پس از شهادت امام حسین (ع)

در بخش نهم، حوادثی که پس از شهادت امام حسین (ع) در کربلا به وقوع پیوست، پدیده‌های خارق العاده‌ای که در منابع معتبر گزارش شده، چگونگی دفن شهدا، سرنوشت سرهای مقدس شهدا و کراماتی که از سرمقدس سید الشهدا (ع) دیده شد، چگونگی حرکت خاندان ابا عبدالله (ع) از کربلا به کوفه و از کوفه تا شام و بازگشت آنها از شام به مدینه، در هشت فصل، ارائه شده است.

بخش دهم: بازتاب شهادت امام حسین (ع) و فرجام کسانی که در کشتن او و یارانش نقش

داشتند

در آغاز بخش دهم، تحلیلی در باره‌ی بازتاب‌های اجتماعی و آثار تکوینی واقعه‌ی عاشورا و نیز چهار جنبشی که تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم امواج سیاسی و اجتماعی این واقعه تا ده سال پس از آن پدید آمد، ارائه می‌شود.

بخش یازدهم: عزاداری و گریه برای امام حسین (ع)

بخش یازدهم با تحلیل در باره‌ی فلسفه‌ی تداوم عزاداری برای سید الشهدا (ع) و آثار و برکات

آن، ویژگی‌های مجالس عزاداری هدفتند و آسیب‌شناسی عزاداری برای امام حسین^(ع)، آغاز می‌گردد. و چهار فصل در آن آمده که اختصاص به عزاداری، تأکید بر ذکر مصائب، آداب روز عاشورا و گریستن و گریاندن دارد.

بخش دوازدهم: نمونه مرثیه‌هایی که در سوگ امام حسین^(ع) و یارانش سروده شده‌اند

در ابتدای بخش دوازدهم، پس از دسته‌بندی محتوایی اشعاری که در طول چهارده قرن در رثای سید الشهدا^(ع) و یارانش سروده شده‌اند، ضمن مقاله‌ای تحلیلی، تحولات شعر عاشورایی و فراز و فرود آن، بررسی می‌گردد و در ادامه، نمونه‌هایی از اشعاری که در این باره سروده شده‌اند، به ترتیب تاریخی، در هفت فصل، گزارش شده است.

بخش سیزدهم: زیارت امام حسین^(ع)

درآمد بخش سیزدهم، نکاتی قابل توجه در باره‌ی واژه‌شناسی زیارت، ریشه‌یابی آن در فطرت، زیارت زندگان و مردگان از نگاه اسلام، تشویق احادیث اسلامی به زیارت قبور پیامبر خدا^(ص) و اهل بیت^(ع)، فضیلت زیارت امام حسین^(ع) و مهم‌ترین آداب و آسیب‌شناسی آن آمده است و پس از آن احادیث مربوط به زیارت امام حسین^(ع)، آداب زیارت و زیارت مختلف در شانزده فصل فراهم شده است.

بخش چهاردهم: مزار امام حسین^(ع)

در بخش چهاردهم، پس از تبیین تاریخچه‌ی حرم حسینی، احادیثی در باره‌ی فضیلت مزار امام حسین^(ع) و برکات تربت مزار ایشان، در سه فصل آمده است.

بخش پانزدهم: حکمت‌های رسیده از امام حسین^(ع)

در بخش پایانی دانش‌نامه‌ی امام حسین^(ع)، پس از تبیین و تفسیر معنای حکمت در لغت، قرآن و حدیث، حکمت‌های منشور و منظوم نقل شده از ایشان یا منسوب به ایشان، در زمینه‌های معرفتی، سیاسی، عبادی، اخلاقی و عملی، در ده باب و پنجاه و پنج فصل، ارائه شده است.

چهارم. ارزیابی منابع

اگرچه دانش‌نامه امام حسین^(ع) فاقد یک کتاب‌شناسی و منبع‌شناسی جامع در مورد موضوع خود است ولی بخشی از مقدمه‌ی جلد اول این مجموعه اختصاص به ارزیابی و نقد منابع دارد.

برای هر پژوهشی در باره‌ی تاریخ عاشورا و عزاداری، چهار دسته منبع وجود دارد:

۱. منابع قابل استناد؛ ۲. منابع غیر قابل استناد؛ ۳. منابع معاصر؛ ۴. منابع مفقود.

مقصود از منابع قابل استناد، آن دسته مآخذی هستند که هویت تاریخی دارند و نویسندگان



آنها، معین، سرشناس و از عالمان روشمند بوده‌اند، هر چند دیدهی نقد خود را بر یکایک روایات آنان، باز نگاه می‌داریم. منابع غیر قابل استناد یا ضعیف، منابعی داستانی، بدون سند و بدون پشتوانه تاریخی‌اند. در این کتاب، منابع مهم قابل استناد در ۳۳ عنوان معرفی شده‌اند.

پنجم. اولین اثر مستقل در باره‌ی عاشورا

اگر نوشته‌ی ابو مخنف لوط بن یحیی (د. ۱۵۷ق) را به دلیل یافت نشدن نسخه‌ای از آن و دسترس مستقیم نداشتن به آن، کنار بگذاریم، می‌توانیم رساله‌ی کم برگ تسمیه من قتل مع الحسین^(۴) من ولده و إخوته و اهل بینه و شیعتہ، اثر فضیل بن زبیر بن عمر کوفی اسدی را با اطمینان، نخستین منبع موجود مستقل در باره‌ی حماسه‌سازان عاشورا بدانیم. مؤلف این کتاب، از عالمان شیعی قرن دوم و از یاران امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) است. او در این نوشته‌ی کوتاه، صد و شش تن از شهیدان نهضت حسینی و قاتلان آنها را نام برده و اطلاعات اندکی در باره‌ی نَسَب و قبیله‌ی آنها و گاه فرجام ناخوش قاتلان، ارائه داده است. وی ابتدا، نام شهیدان اهل بیت^(ع) و سپس شهیدان هر قبیله را دسته‌بندی کرده و آورده است. او ماجرای اسارت خاندان پیامبر^(ص) و وارد شدن آنها بریزید و سخنان امام زین‌العابدین^(ع) را با یزید، گزارش کرده است. این رساله چند بار چاپ شده است.

ششم. منابع غیر قابل استناد

با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر و تحریف، بیشتر می‌شود و این، همان نکته‌ای است که قاعده‌ی لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک‌تر به حادثه تاریخی را مدلل می‌سازد. کتاب‌ها و منابعی که گزارش‌های خود را نقادی نکرده و آنها را با منابع اصلی تاریخی برابر ننموده و یا به تعارض آنها با سیره، کرامت و شخصیت امام حسین^(ع) و یارانش توجه نکرده‌اند، دچار ضعف‌اند و از گردونه‌ی اعتبار، نقل و استناد، خارج می‌شوند. هر اندازه تعداد گزارش‌های بدون اصل و سند و یا نامتجانس با شخصیت کرامت‌آمیز و عزتمند عاشورائیان در کتابی بیشتر باشد، بر ضعف آن کتاب، افزوده می‌شود و هر اندازه کمتر باشد، کتاب، اعتبار بیشتری دارد.

محققان این دانش‌نامه با بررسی صدها گزارش و مأخذیابی مرحله به مرحله‌ی هر یک از نقل‌ها، چند کتاب معدود را شناسایی و ساختار و ضعف‌های آنها را گوشزد کرده‌اند و معتقد هستند مطالب این‌گونه کتاب‌ها، بدون ارزیابی، قابل استناد نیستند. این منابع، عبارت‌اند از:

۱. مقتل الحسین^(ع)، المنسوب إلى أبي مخنف لوط بن يحيى بن سعيد (د. ۱۵۸ق)؛

۲. نور العین فی مشهد الحسین^(ع)، منسوب به ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن ابراهیم اسفرائنی نیشابوری (د. ۴۱۷ یا ۴۱۸ ق)؛
۳. روضة الشهداء، از کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (د. ۹۱۰ ق)؛
۴. المنتخب فی جمع المراثی والحُطَب، فخرالدین بن محمد علی بن احمد طریحی (د. ۱۰۸۵ ق)؛
۵. مُحَرِّقِ القلوب، نوشته‌ی ملا مهدی نراقی (د. ۱۲۰۹ ق)؛
۶. إکسیر العبادات فی أسرار الشهادات (أسرار الشهادة)، آقا بن عابد دربندی شیروانی (د. ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶ ق)؛
۷. ناسخ التواریخ، میرزا محمدتقی سپهرکاشانی (د. ۱۲۹۷ ق)؛
۸. عنوان الکلام، ملا محمدباقر فشارکی (د. ۱۳۱۴ ق)؛
۹. تذکرة الشهداء، ملا حبیب‌الله شریف کاشانی (د. ۱۳۴۰ ق)؛
۱۰. معالی السبطين، محمد مهدی حائری مازندرانی (د. ۱۳۸۵ ق).

ب. شهادت‌نامه‌ی امام حسین^(ع)

محمد محمدی ری شهری، با همکاری سید محمود طباطبایی، سید روح‌الله طبایبی، گرینش: مرتضی خوش نصیب، دارالحديث، ۱۳۸۹.

این کتاب در واقع گزیده‌ای است هزار صفحه‌ای، از دانش‌نامه‌ی امام حسین^(ع) که تنها به بخش‌های مربوط به قیام و شهادت امام^(ع) و یاران باوفای ایشان پرداخته و طبیعتاً با حذف موارد بسیار کمتری (در مقایسه با کتاب پیشین)، توانسته است مباحث مربوط را خلاصه‌سازی نماید. شهادت‌نامه‌ی امام حسین^(ع)، عمدتاً گزیده‌ای است از بخش‌های شش‌گانه‌ی پیشگویی در باره‌ی شهادت امام^(ع) تا عزاداری و گریه برای امام حسین^(ع). به این شرح:

بخش یکم: مهم‌ترین مباحث مربوط به حماسه‌ی عاشورا

در بخش نخست این کتاب، تحلیل‌ها و مقالاتِ تفصیلی‌تر و در عین حال پراکنده در دانش‌نامه‌ی امام حسین^(ع) که با موضوع کتاب شهادت‌نامه تناسب بیشتری داشته‌اند، در کنار هم گردآوری شده‌اند.

بخش دوم: پیشگویی در باره شهادت امام حسین^(ع)

در این بخش، خبرهای آسمانی رسیده در باره‌ی شهادت امام حسین^(ع)، و پیشگویی‌های پیامبر خدا^(ص) و امیر مؤمنان^(ع) و دیگر پیشوایان و بزرگان در باره‌ی شهادت امام حسین^(ع)، در قالبی نظام‌یافته ارائه شده است.



بخش سوم: خروج امام حسین (ع) از مدینه، تا ورود به کربلا

در این بخش، رخداد‌های مهمی مانند: امتناع امام (ع) از بیعت با یزید، خروج امام (ع) از مدینه، فعالیت‌های ایشان در مکه، اعزام مسلم (ع) به عنوان نماینده‌ی خود به کوفه، و شهادت مسلم و جمعی دیگر از یاران امام (ع) و نیز زندانی شدن شماری دیگر از آنان، پیشنهادهای مختلف به امام (ع) مبنی بر نرفتن به کوفه، و حرکت امام (ع) به سوی کربلا گزارش شده است.

بخش چهارم: از رسیدن امام حسین (ع) به کربلا تا شهادت ایشان

در این بخش، متون مربوط به حادثه‌ی جان‌گداز عاشورا، از آغاز ورود امام حسین (ع) به کربلا تا شهادت یاران، فرزندان، برادران، فرزندان برادر، فرزندان خواهر، فرزندان عمو و سرانجام، شهادت خود امام (ع)، به تفصیل، گزارش شده است.

بخش پنجم: وقایع پس از شهادت امام حسین (ع)

در بخش پنجم، حوادثی که پس از شهادت امام حسین (ع) به وقوع پیوست، پدیده‌های خارق‌العاده‌ای که در منابع معتبر گزارش شده‌اند، چگونگی دفن شهدا، سرنوشت سرهای مقدس شهدا و کراماتی که از سرمقدس سیدالشهدا (ع) دیده شد، چگونگی حرکت خاندان اباعبدالله (ع) از کربلا به کوفه و از کوفه تا شام و بازگشت آنها از شام به مدینه، ارائه می‌شود.

بخش ششم: بازتاب شهادت امام حسین (ع) و فرجام کسانی که در کشتن او و یارانش نقش

داشتند

در بخش ششم، متن گزارش‌های مربوط به بازتاب شهادت سیدالشهدا و یارانش در میان قاتلان آنها و نیز در میان شخصیت‌های برجسته‌ی آن روز جهان اسلام و در جامعه‌ی عراق و حجاز، مطرح می‌گردد و در ادامه، سرنوشت شوم کسانی که در این حادثه نقش داشتند و نیز مردمی که از یاری کردن امام (ع) سرباز زدند، تبیین شده است.

بخش هفتم: عزاداری و گریه برای امام حسین (ع)

در این بخش - که بخش پایانی کتاب است -، احادیث متعددی در سفارش به عزاداری، مصیبت‌خوانی، گریستن و گریاندن برای سالار شهیدان و معرفی نخستین عزاداران امام (ع) پس از واقعه‌ی کربلا، اهمیت ویژه‌ی روز عاشورا و آداب این روز و نیز سوگمندی جهان آفرینش در مصیبت‌های سالار شهیدان (ع)، گزارش شده است.

نظری چند درباره‌ی شهادت نامه و دانش نامه

قصد نقد این مجموعه‌ی ارزشمند را نداریم و البته مجموعه‌ی دانش‌نامه، راهم برای نقد و

نظرنگاه نکرده‌ایم ولی شهادت‌نامه را چون به دقت بیشتری دیده‌ام، نکاتی به نظر می‌رسد که عرض می‌شود. برخی از این موارد مربوط به کل مجموعه است و بیشتر نیز درباره‌ی خصوصیت شهادت‌نامه است. از آنجا که شهادت‌نامه‌ی امام حسین^(ع) بارها چاپ و نشر خواهد شد، خوب است، ویراست جدیدی از آن انجام گیرد و اشکالات مختصری که در آن وجود دارد و حتماً مؤلفین خود بهتر آگاه هستند، رفع گردد.

نظری در مورد این دو کتاب

نکاتی که به نظر می‌رسد تقدیم می‌گردد:

۱) موارد کلی

۱. در دانش‌نامه و به طبع آن شهادت‌نامه از بسیاری از متون کهن فارسی که از اهمیت زیادی برخوردار هستند و مطالبی در مورد حماسه‌ی کربلا در آنها وجود دارد، استفاده نشده است؛ برای نمونه می‌توان این عناوین را نام برد:

- جامع التأویل لمحكم التنزیل از محمد بن بحر اصفهانی به عنوان یکی از کهن‌ترین آثار

اعتزالی از قرن چهارم هجری؛

- تاریخ بلعمی (قرن چهارم هجری)؛

- ترجمه‌ی کتاب الفتوح، مستوفی هروی (قرن ششم هجری).

۲. از بسیاری از متون بسیار کهن و مورد توجه عربی تاریخی، استفاده نشده است، مانند:

- البدء و التاریخ از مطهر بن طاهر مقدسی (قرن چهارم هجری)؛

- فهم القرآن ومعانیه از ابو عبدالله حارث بن اسد محاسبی مصری (قرن سوم هجری)؛

- الاشارات الی معرفة الزیارات، اثر علی بن ابی بکر هروی (قرن هفتم هجری).

۳. از کتاب‌هایی در موضوعات المحن که دارای اهمیت زیادی است استفاده نشده است،

مانند:

- المحن از محمد بن احمد تمیمی (قرن چهارم هجری).

۴. این کتاب مانند دیگر متون و آثاری که درباره‌ی مقتل نگارش پیدا کرده است به سبک

مقتل نگاری و داستانی و به هم پیوسته نیست. لذا خواننده اگر به طور مثال دنبال رزم و مقتل

حضرت عباس بن علی^(ع) است، باید بخش‌های مختلف کتاب را بگردد؛ یا به تعبیری می‌شود

گفت عبارات مقاتل در این کتاب تقطیع شده است.

مؤلفین در مقدمه‌ی خود بحث ارزیابی منابع را آورده‌اند و برخی را فاقد قابلیت استناد اعلام نموده‌اند

ولی خوب بود ابتدا منبع‌شناسی شده، آثار معرفی می‌گشت و بعد از آن ارزیابی صورت می‌گرفت.



۵. کتاب، فاقد کتاب‌نامه، منابع و مأخذ است و این اشکال بسیار چشمگیر باعث می‌شود خواننده، عنوان کتاب و مقتلی را می‌بیند ولی نه در متن و پاورقی و نه در انتهای کتاب هم نمی‌تواند مؤلف آن را بشناسد. البته ممکن است مؤلفان بخواهند کتابخانه را با اعلام و نمایه با هم چاپ کنند که عذر خوبی نیست.

۶. برخی مباحث و مداخل مربوط به کربلا ظاهراً فراموش شده و از قلم افتاده است. از مهم‌ترین آنها قصه‌ی پرغصه‌ی «عطش» است. این اشکال مترتب بر ایراد قبلی است که اگر سبک نگارش کتاب از حالت داستانی خارج شد و به صورت مدخل و فصل ارائه گردید، لازم است دقت کاملی در مدخل‌گزینی صورت گیرد تا بحثی گم نشود.

۲) موارد جزئی مربوط به شهادت‌نامه

۱. ص ۲۲۰: متن عربی عبارت مأخذ در پاورقی آمده است که کار ارزشمندی است ولی پسندیده آن بود آیات قرآن کریم که در کتاب، ترجمه‌ی آنها آمده است، در پاورقی می‌آید، که چنین نشده است.
۲. ص ۲۷۴: در تیتراژ آمده «پراکنده شدن مردم از پیرامون پسر عقیل». «پسر عقیل» در فارسی چندان مناسب احترامی که شایسته‌ی حضرت مسلم^(ع) است، نیست.

۳. ص ۲۹۵: مسائل خارق‌العاده‌ای مثل درخت زرباد قزوین در صورت طرح، نیاز به ادله و مستندات بیشتری دارد.

۴. ص ۴۶۵: پاورقی‌ای که در مورد جمله‌ی مشهور «کل یوم عاشورا» در این صفحه به طور مفصل آمده است، ربطی به متن ندارد و جای طرح آن اینجا نیست.

۵. ص ۴۸۸: «لا ام لک» را «بی‌مادر» ترجمه کرده‌اند، مراجعه به لسان‌العرب این معنا را نمی‌رساند که جای آن در اینجا نیست.

۶. ص ۵۰۶: «ذکرت الصلاة... ثم قال سلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلی» در ترجمه فقره‌ی آخر متن ترجمه نشده است.

۷. ص ۵۰۹: عنوان این صفحات مربوط به یکی از شهدای کربلا به نام «بریر بن خصین» است.

۸. ص ۵۱۶: روایت امام‌زین‌العابدین^(ع) مأخذ ندارد.

۹. ص ۵۱۶: از امام‌زین‌العابدین^(ع) نقل شده که مردم پس از ده(!) روز برای دفن شهدا آمدند. اگر عبارت اشتباه نیست، لازم است توجیه و تبیین شود.

۱۰. ص ۵۱۶ و ۵۱۹ و ۵۲۰... آدرس مطالبی که از «زیارت» رجبیه تذکر داده شده، نیامده است و گاهی هم مشخص نیست متن مربوط به زیارت ناحیه است یا زیارت رجبیه، مانند عبارت ص ۵۴۱.

۱۱. ص ۵۳۹: در شرح حال «عبدالله بن عمیرکلبی» نوشته‌اند: وی در کوفه زندگی می‌کرد... تصمیم گرفت که برای یاری امام خود را به کوفه برساند!
۱۲. ص ۶۰۸: در پاورقی آمده است: «زیارت دوم بروایة الاقبال» عبارت فارسی و عربی مخلوط شده است.
۱۳. ص ۶۱۲: عبارت زیارت ناحیه ورجبیه مأخذ ندارد.
۱۴. ص ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶: عبارات زیارت ناحیه مأخذ ندارد.
۱۵. ص ۷۱۳: عبارت «رک: ...۷۳۳...» ظاهراً اشتباه حروف چینی است و ربطی به بحث ندارد.
۱۶. ص ۷۶۷: در مورد احداث رأس المحسین^(ع) در مناطق مختلف نوشته‌اند: «در آنها به هر دلیل یا انگیزه (چه واقعیت، چه یاد بود و چه خواب و...)». در اینجا مشخص است که واقعیت، یادبود و خواب قسیم و مقابل هم نیستند و ممکن است خواب یا یادبود هم نشان از یک واقعیت داشته باشد. اگرچه منظور مؤلفین محترم، مستند و عدم مستند بودن است، ولی بیان خالی از خلل نیست.
۱۷. ص ۷۸۲: مطلبی با عنوان «خاندان پیامبر^(ص) در مجلس یزید» آمده که چند روایت مبنی بر نهایت قساوت یزید مطرح شده است. ذیل این روایات (ص ۷۸۵) مطلبی با عنوان «نکته» ذکر شده که با وجود این روایات مطالبی که حاکی از پشیمانی و رقت یزید است بعید است و باید ساخته‌ی بنی امیه باشد. با این وجود در صفحه ۸۲۱ عنوانی داریم با مضمون «پشیمانی یزید» که حاوی دو نقل تاریخی است. با آنچه در ص ۷۸۵ گذشت، این تیترو عنوان مناسبتی ندارد و یا اینکه با وجود این روایات، نکته‌ی مندرج در ص ۷۸۵ بهتر بود این جا می‌آمد.
۱۸. ص ۸۳۳: تأیید شهید مطهری ارجاع داده نشده است.
۱۹. ص ۸۳۳: مباحثی که درباره‌ی بازگشت و یا عدم بازگشت اهل بیت^(ع) به کربلا در چهار بخش که در واقع چهار قول است، مطرح شده است. عنوان این بحث چنین است: «یک: بازگشت اهل بیت امام^(ع) به کربلا.
الف. عدم بازگشت اهل بیت به کربلا،
ظاهراً نباید تیتراول بازگشت باشد و عنوان فرعی آن، قول به عدم بازگشت انتخاب شود.
می‌توان تیتراول را «بازگشت یا عدم بازگشت اهل بیت امام^(ع) به کربلا» انتخاب کرد.
۲۰. ص ۸۳۹: حضور جابر در اربعین اول در کربلا؛ گفته شده که گزارش‌های متعددی حاکی از حضور جابر در اربعین در کربلا وجود دارد، برخی تردید کرده‌اند و جواب این تردید آمده است، اما هیچ منبعی برای گزارش‌ها و تردیدها ذکر نشده است.

۲۱. ص ۸۳۹: ذیل ملاقات اهل بیت امام (ع) با جابر در کربلا نوشته‌اند: «با تأمل در آنچه به تفصیل (!) توضیح داده شد که بازگشت اهل بیت سید الشهداء در غیراربعین به کربلا ممکن است انجام شده باشد». کل این بحث در صفحه‌ی ۸۳۸ و ۸۳۹، تنها شش سطر است و تفصیلی ندارد.

۲۲. ص ۸۳۹: پاورقی این صفحه نقد قول محدث نوری و شهید مطهری در مورد نبود قدر مشترک بین راه شام تا حجاز و راه شام تا عراق است. جای این نقد ظاهراً باید در ص ۸۳۴، همان جایی باشد که نقل قول محدث نوری آمده است، نه در صفحه‌ی ۸۳۹.

۲۳. ص ۸۶۶: در ترجمه‌ی عبارتی از الکامل فی التاریخ آمده است: «یزید به دنبال عبیدالله بن زیاد فرستاد و دستور داد که به مدینه برود و عبدالله بن زبیر را در مکه به محاصره درآورد. عبیدالله گفت: به خدا سوگند، دو کار ناپسند را برای یزید فاسق انجام نمی‌دهم: کشتن پسر پیامبر خدا (ص) و ویران کردن کعبه. و آن گاه پیکی برای او فرستاد و عذرخواهی کرد.» اگر کسی ابن زیاد را شناسد از این عبارت فهمیده می‌شود او هیچ یک از آن دو کار را نکرده است.

«انجام نمی‌دهم» در این عبارت که ترجمه‌ی «لا جمعتهما» بوده، نارسا است.

۲۴. ص ۸۶۷: آنچه در فصل دوم با عنوان «بازتاب شهادت امام حسین (ع) در میان قاتلان» آمده است، حاکی از پشیمانی و تأسف آنها بر این جنایت عظیم است. صرف نظر از این که این عبارات و همه‌ی آنچه از قتل کربلا در تاریخ آمده است، مشعر به پشیمانی آنها باشد یا نباشد، آنچه در ص ۸۶۷ در مورد شمر بن ذی الجوشن ملعون آمده است، تناسبی با دیگر عناوین ندارد. از افراد دیگر عباراتی حاکی از پشیمانی آنها نقل شده ولی آنچه در مورد شمر لعین آمده است، مشعر به ندامت او نیست.

۲۵. ص ۸۶۷: عبارت «نقاتله مع آل معاویه...» را ترجمه کرده‌اند به «با او به همراه خاندان معاویه... جنگیدیم». بهتر بود «علیه او به همراه خاندان معاویه» ترجمه می‌شد.

۲۶. ص ۸۶۹: عنوان «بازتاب شهادت امام حسین (ع) در میان قاتلان» با آنچه در این صفحه از مروان بن حکم نقل شده تناسبی ندارد و اساساً مروان از قتل کربلا نیست.

۲۷. ص ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۳ و... شرح حال مختصری از زندگی و هلاکت قتل کربلا ذکر شده است ولی بسیاری از آنها هیچ مأخذ و منبعی ندارد.

۲۸. ص ۹۳۶: عبارت «ملیک السماء» فرشتگان آسمان ترجمه شده است، در حالی که در ص ۷۳۵ همین عبارت «فرمان‌روای آسمان» ترجمه شده است.

۲۹. ص ۹۴۱: در ترجمه‌ی «یا حسیناه یا حبیباه... یا سید اهل بیتاه». کلمه‌ی اخیراً «ای

آقای خاندانش» ترجمه کرده‌اند که ظاهراً همان «ای سید اهل بیت» باید ترجمه نمود و اهل بیت (ع) عَلم برای خاندان رسول (ع) است و «خاندانش» ترجمه نمی‌شود.

۳۰. ص ۹۵۶ - ۹۵۷: ترجمه‌ی حدیث ش ۷۹۵ بیشتر از متن موجود در پاورقی است و با این حال مطلب ناقص مانده و پاسخ امام به سؤال راوی، هم در ترجمه و هم در متن حدیث - که در پاورقی آمده است - نیامده است، در حالی که با مراجعه به علل الشرایع ص ۲۲۵ مشخص می‌شود، حدیث دارای تتمه‌ای ضروری است.

۳۱. ص ۹۷۵: نوشته‌اند «وجه نخست به دلیل انطباق با احادیثی که به آنها اشاره شد و همسویی با جایگاه امامت و عظمت روحی امام حسین (ع) متعین (قطعی) است و نه اظهار (نزدیک‌تر به واقع). معلوم نیست چگونه مطلبی متعین و قطعی است و در عین حال اظهار و نزدیک‌تر به واقع نیست!

سخن پایانی

آنچه به قلم آمد در مقام مطمئناً تنقیص زحمات طاقت‌فرسای نویسندگان و پژوهشگران محترم این دو مجموعه‌ی ارزنده نیست، بلکه تلاشی است جهت کمک به این عزیزان برای ارائه‌ی اثری ماندگار و خدمتی استوار، چنین باد.

